



هم کلاسی  
[Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir)

جمهوری اسلامی ایران  
اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران  
اداره آموزش و پرورش منطقه هفت تهران

شماره داوطلب:

نام واحد آموزشی: دبیرستان هاتف (دوره اول)

نوبت امتحانی: خرداد ماه

نام خانوادگی:

نام:

نام پدر:

پایه: هشتم

سؤال امتحان درس: مهارتهای نوشتاری

نام دبیر: آقای هاشمی گلپایگانی

سال تحصیلی: ۹۶-۹۷

ساعت امتحان:

۸:۰۰ صبح

وقت امتحان:

۹۰ دقیقه

تاریخ امتحان:

۱۳۹۷ / ۳ / ۱۰

تعداد برگ سؤال:

۲ برگ

۱۰

(۱) یکی از موضوعات زیر را انتخاب کرده و با توجه به اصول داستان نویسی، در ۷ الی ۱۰ خط، داستان بنویسید.

آلزامی/ آخرین امید/ زمانی برای خندیدن/ روزگار پیش از جنگ/ خاطرات یک سرباز فراری/ تنهایی/ روزهای بی خورشید/ زمستان گرم/ خانه متروک/  
( بارم بندی: شروع خوب: ۲ نمره/ شخصیت پردازی: ۱ نمره/ گره افکنی: ۳ نمره/ اوج یا باز کردن گره: ۲ نمره/ توصیف و فضاسازی: ۲ نمره/ هر غلط املائی ۰/۲۵ نمره کم می کند)



۳

۲) با توجه به دیالوگ‌های نمایش و طرح داستان آن، شخصیت سعید و جای خالی دیالوگ‌های حسین را نوشته و نمایشنامه را تا ۵ دیالوگ ادامه دهید.

**طرح داستان:** ۳ نفر از شاگردان مدرسه ای پشت مرز ایران و عراق به همراه کاروانشان گرفتار شده اند. ایام ایام اربعین است و این ۳ نفر برای زیارت به کربلا می‌روند. شب دومی ست که در سرما کاروان پشت مرز چادر زده و گیر افتاده است. ناگهان در کاروان بچه‌ها مدیر مدرسه شان را می‌بینند. مدیری که با رفتن آنان به کربلا و نیامدنشان به مدرسه مخالفت کرده بود.

**شخصیت‌ها:**

**عرفان:** شخصیت محافظه کار و ترسوئی دارد و مدام برای این ترسش ناامید است و فکر نمی کند بتواند از مرز رد شوند.

**حسین:** رهبر تیم و کسی که دو نفر دیگر را هم به دنبال خود راه انداخته برای رفتن به کربلا

**سعید:**

**متن نمایشنامه:**

**عرفان:** بابا الان دو روزه که موندیم پشت مرز!! فکر کنم بیان بگیرنمون!!

**حسین:** اه. چقدر تو پالس منفی می دی پسر؟! حتما اونور مرز شلوغه...

**سعید:** مرز اینجا رو بستن؟! آره؟! بابا من که گفتم بیخودی راه نیوفتیم بیایم!! امام حسینم راضی نیست از درس و مدرسه مون بزنییم...

**عرفان:** باز این بچه مثبت شروع کرد. بابا بیخیال دیگه!! حسین!! داداش خیلی سرده. یخ نزنیم همین جا؟!

**حسین:**

**سعید:** دلت خوشه حسین!! الان اگه آقای فضائی بیاد و ما رو ببینه اینجا چی؟!

**حسین:**

**عرفان:** بچه ها!!!!... بچه ها!!!! اون آقای فضائی نیست؟!

**حسین:**

**عرفان:** نه بابا. به جون مادرم. نیگا کنین..

(تا ۵ دیالوگ ادامه بدهید)

۲

۳) ضرب المثل زیر را به روش بازآفرینی گسترش دهید. (برای این ضرب المثل در ۴ الی ۶ خط یک داستان بنویسید)

هر کسی خربزه می خورد، پای لرزش هم می نشیند.

۵

(۴) در میان کلمات زیر غلط‌های املایی را یافته و شکل صحیح آن‌ها را بنویسید. (۲۰ کلمه در این کلمات دارای غلط املایی هستند).  
(تشدید نداشتن را غلط به حساب نیاورید).

مبحم - ارائه - تحمل - از فرت غرور - طلف کردن عمر - تعلل - اضطراب - مطانت - کائنات - مراقبی - جزعیات - مناظر دل انگیز -  
مرحمت - لغزیدن - تحریم - مهاربه - استعمال - توطعه - تاثیر - تلفض - رهگذر - نفوذ ناپذیر - تخصص - ماوا و جایگاه - جازبه -  
متضاد - با دل و جرعت - مودبانه - متواضع - کازب - اخلاص - معمور - موضع - بنیان گذار - فضیلت - تلخیس - عمل - برحذر داشتن -  
حسرت - صف مهشیر - عطش - صلیب سرخ - مصمم - مطمئن - به محز اینکه - تذکرات - نابقه - هجوم - صعود کردن - پر فروغ

موفق و پیروز باشید!

